

بررسی و تحلیل زبان دانشنامه علایی

دکتر حمید طاهری*

استادیار زبان و ادب فارسی دانشگاه رازی

چکیده

دانشنامه ی علایی مهمترین اثر فارسی ابن سیناست و یکی از ارزنده ترین موارث ماندگار زبان دوره ی تکوین است. بررسی زبان دانشنامه می تواند ویژگی های زبان نوشتار قرن چهارم و پنجم را نشان دهد. واژگان 'دستگاه فعل' دستگاه 'مطابقه' شیوه 'یخط و کتابت' نحو' روستا ساخت و... در این اثر بابتی نو به روی محقق می گشاید و هر یک را می شاید در مقاله ای مجزا و مفصل معرفی کرد. دانشنامه نمونه ی اعلا ی آثار هم موضوع عصر خود است. نگارنده ی این سطور در پژوهش حاضر به بسیاری از مختصات و ظرافت های زبانی این اثر کهن دست یافته است که درخور این مقال به ذکر چند مورد زیر بسنده می کند:

- موضوع دانشنامه منطق و فلسفه و طبیعیات است فهم درست و عمیق خوانندگان چنین آثاری در گرو تأمل در آنهاست لذا ابن سینا با علم به این مهم واژه ها و ترکیبات را به طریقی در محور همنشینی فراهم آورده است که سرعت مطالعه دانشنامه را کند کرده است تا خواننده با تأمل و تفکر بیشتری پیش رود.
- در این اثر بسامد فعل های پیشوندی نسبت به مختصه ی عمومی آثار زمان کمتر است و فعل های ساده و اسنادی بسیار دارد. این مختصه نیز به اقتضای موضوع اثر است. پیشوند مفهومی تازه و گاه ثانوی به فعل می بخشد و از آنجا که هدف آثار علمی و فلسفی صرفا انتقال پیام است شیخ الرییس فعل های ساده را برای این مقصود برگزیده است که بخوبی از عهده ی آن بر می آیند.
- در این اثر میزان کاربرد واژه های عربی نسبت به دیگر آثار همزمان بیشتر است. این ویژگی نیز به اقتضای موضوع است زیرا تعداد زیادی از آنها اصطلاحات فلسفی و منطقی و علمی هستند.
- واژگان و ترکیبات فارسی دانشنامه نیز از حیث ساخت 'معنا' تازگی و کاربرد شایسته نتیجه و تحقیق اند. این شایستگی در تمام آثار دوره ی تکوین بخصوص متون تفسیری به دلایل خاصی وجود دارد.

* کرمانشاه - دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادب فارسی تله ۸۲۲۲۹۶۴

- شیوه ی کتابت و رسم الخط دانشنامه همچون دیگر آثار مکتوب دوره ی تکوین آست. حروف الفبا شکل ثابت و واحدی ندارند. مهمتر این که متن دانشنامه از این جهت سیر تحول خط را بخوبی نشان می دهد چون که واج ها و حروف الفبای آن از نیمه ی دوم این اثر به بعد شکل واحد و ثابت تری نسبت به نیمه ی اول متن دارند.
- در این کتاب با توجه به طبیعت زبان قرن پنجم حروف اضافه در معانی هم و کاربرد های متعدد دارند که در متن مقاله به پاره ای از آنها اشاره خواهد شد.

کلید واژه ها:

واژه 'دستگاه' فعل 'نحو' محور 'تکوین' روستاخت 'دانشنامه' موضوع 'ساخت' زبان 'بسامد' میزان 'تکرار' جمله

مقدمه

مقاله حاضر که به بررسی و تحلیل زبان دانشنامه پرداخته است، دارای اهداف زیر است :

الف- هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل برخی ویژگی‌های زبانی دانشنامه است که جهت نیل به این مقصود چند مقوله زبان را که هنگام مطالعه توجه نگارنده را به خود جلب کرده است، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.
ب- یکی از اهداف فرعی یا کناری این تحقیق اثبات تناسب روساخت یک اثر با موضوع، طرح ذهنی و اندیشه صاحب اثر است.

ج - هدف فرعی دیگر نشان دادن پاره‌ای از ویژگی‌های زبان فارسی قرون چهارم و پنجم در دانشنامه علایی به عنوان برجسته‌ترین و مهمترین اثر در موضوع علوم اوایل است و همچنین نشان دادن استعداد و توانایی زبان فارسی در بیان موضوعات فلسفی و علمی است.

ابن سینا بزرگترین چهره برجسته علم و معرفت در قرن چهارم و پنجم است. او به سال ۳۷۰ هجری در بخارا به دنیا آمد و تا سن هجده سالگی تمام علوم زمانه خود را فرا گرفت و او خود اذعان دارد که در تمام مدت عمر خود چیزی بیش از آنچه که در هجده سالگی می‌دانسته است، نیاموخته. او فراگرفته‌ها و دانسته‌های خود را در ۲۵۰ تألیف بزرگ و کوچک به پیشگاه دوستداران علم و اندیشه عرضه داشته است. عمده آثار ابن سینا به زبان عربی است و بندرت در میان آنها به زبان فارسی نیز تألیفاتی دارد همچون دانشنامه علایی که نخستین کتاب فلسفی نوشته شده به زبان فارسی است.^۱
دانشنامه علایی یا حکمت علاییه مهمترین اثر فارسی ابوعلی است. موضوع آن منطق است و فلسفه و طبیعیات. این اثر از نظر زبان بسیار با ارزش است. واژگان، ساخت نحوی، دستگاه فعل، مطابقه و ترکیب کلمات در محور همنشینی بیانگر مختصات و ویژگی‌های ارزنده و معناداری است.

بی‌تردید دانشنامه میراث مهم و بی‌بدیلی از زبان قرن چهارم و پنجم هجری در موضوع منطق و فلسفه است. زبانی که هنوز در حال تکوین بوده است. بسامد واژگان و ترکیب‌های عربی این کتاب نشانگر اثر ترجمه و اقتباس بر آن است. زیرا تألیفات علوم اوایل عمدتاً برگردانده‌ی تراش علمی و فرهنگی خطه‌های غیرمسلمان اس به زبان عربی که یگانه زبان غالب تمام مؤلفات و مترجمات صدر اسلام بود. در نتیجه هر اثر که به زبان فارسی یا غیرعربی در موضوعات علوم و دانشهای اوایل پدید می‌آمد، اصطلاحات عربی و واژه‌ها و ترکیب‌های بسیاری از این علوم به زبان مقصد راه می‌جست.
در این اثر گرانسنگ علمی و فرهنگی ایران واژه آرای، ترکیب کلمات و توالی آنها گویای خصیصه‌ای قابل است. گویی نویسنده از سرعمد و تأمل واژه‌هایی را در محور نشانده است تا سیر مطالعه را کند کند و به این ترفند

خواننده را به تفکر و تدبر وادارد. این شگرد با آثار عقلی که دریافتشان دشوارتر از دیگر علوم است، تناسب خوبی دارد زیرا این آثار دریافتشان نیازمند تأمل و اندیشیدن است. ابن سینا با این ترکیب کلام از روانی متن تا حدودی کاسته است. بدیهی است که در عصر ابن سینا فاصله‌ای میان گفتار و نوشتار نبوده است و تقریباً این دو نمود برجسته زبان نزدیکی زیادی با هم داشته‌اند. این قرابت را از ساخت جملات دانشنامه می‌توان دریافت. جمله‌ها عمدتاً ساختی مستقیم دارند اما در برخی موارد ساخت جملات غیرمستقیم می‌شود. این دو ساخت متفاوت نمایشی دیگر از تقارن دو زبان نوشتار و گفتار است. اگر اجزاء و ارکان کلام بدون ضرورت بلاغی پس و پیش می‌شوند، این پس‌پیشی بیانگر کارکرد طبیعی زبان است زیرا زبان ملفوظ یا مکتوب ظرف تفکر و اندیشه آدمی است، روند تفکر و پیام ذهنی بسیاری اوقات بدون تغییر و تحول در زبان ظهور می‌کند. یعنی آدمی آن طور که می‌اندیشد، سخن می‌گوید. حال ممکن است احساس کند که پیامش محتاج قید یا مفعول با واسطه یا رکنی دیگر است، در نتیجه آن نیاز را بعد از فعل جبران برمی‌آورد.

گاهی نیز تقدیم و تأخیر اجزاء و ارکان کلام از روی عمد و غرضی بلاغی صورت می‌گیرد که البته این دو نوع جابه‌جایی را باید از هم تفکیک کرد و بازشناخت. تغییر در اجزای کلام به امر اقتضای حال و ضرورت بلاغی چیزی است و روند طبیعی کارکرد و ظهور زبان چیزی دیگر. در دانشنامه هردوگون پس و پیشی را شاهدیم. در زبان فارسی فعل مرکز ثقل است و قوام جمله بر آن است، آمدن فعل در آغاز یا میانه کلام بی‌معنی و بی‌پیام نیست. ذکر فعل در پایان سخن، حکایت از اتمام پیام دارد و شنونده در انتظار نمی‌ماند. جابه‌جایی فعل گاه به قصد کوتاه کردن طول ظاهری کلام است و آمدنش در آغاز جمله تأکید بر مفهوم فعل دارد حال به سلب یا ایجاب.

یکی از ضرورت‌های تقدیم و تأخیر در اجزای کلام اقتضای حال موضوع است. همان طور که گفته شد موضوعات علوم عقلی به تأمل و تفکر دریافت می‌شوند. زبان که ظرف معناست، وقتی می‌تواند بخوبی از عهده این حمل برآید که متناسب با آن موضوع باشد. همیشه زلالی و روانی و سادگی زبان پسندیده نیست گاهی باید زبان ناهموار باشد تا سیر زبان قرین تأنی شود. این تأنی به دست نمی‌آید جز با خروج از هنجار محور همنشینی یا محور جانشینی. ابن سینا از این شگرد به نحوی شایسته استفاده کرده است. ایجاد تنافر و قهر و ناسازگاری بین اجزای کلام می‌تواند روند زبان را کند کند و گاه این تنافر می‌تواند با جابه‌جایی اجزاء و ارکان زنجیره زبان صورت گیرد. ذکر فعل در آغاز یا میان کلام، تقدیم و تأخیر ادات، مفعول با واسطه و دیگر اجزاء می‌تواند نوعی تنافر و در نتیجه کندی در سخن ایجاد کند و از این راه خواننده را به تأمل وادارد.

پس و پیشی در اجزا و ارکان در عبارات برگزیده زیر از دانشنامه^۲ از روانی کلام کاسته است. آوردن فعل هستند به صورت « اند » آن هم بعد از مصوت (Ī) «جدلی» و ذکر مفعول با واسطه بعد از فعل. افزودن یای نکره به موصوف و

تغییراتی از این قبیل مایه ناهمواری عبارات شده است. همچنین آوردن رای زاید در کلام - اگر بتوان آن را زاید خواند - در این قهر و فرار واژگان سهم بسزا دارند:

« مشهورات و مسلمات مقدمه قیاس جدلی اند و شک نیست کی اول و هرج باوی شمرده آمد اگر اندر جدل بوند، بهتر بود ولکن نه از جهت آن را اوفتند اندر جدل کی حقتد ولکن از جهت آن را کی مشهوراند و مسلم اند» ص ۵۵
« این را وجود نیست البته» ص ۹۲

« هرکه فعلی آید از وی و وی داند آن فعل را و فاعلی خویشتن را » ص ۱۲۳

« چون طاعت و فرمان ورا نعمت خویش برم بخجستگی» ص ۲

« پس شاید که اندازه پذیرد کوچک و همان بعینه جز آن اندازه پذیرد مهتر» ص ۸۲

« مر هر علمی برهانی را سه چیز بود: یکی را موضوع خوانند و یکی را آثار ذاتی و یکی را مبادی» ص ۲۱

« دوم آن است که حکم کرده باشند به سلب و نفی جنانک گویی هیچ مردم جاودانه نیست.» ص ۲۱

« از آن جا گفتاری دیگر لازم آید هرآینه.» ص ۲۹

« جنان که مادّت و صورت مر جسمهای طبیعی را زیرا که ذات واجب الوجود پیونددار شود به اسباب» ص ۱۱

جملات و بندهای دانشنامه علایی همچون دیگر واحدها و مقولات با موضوع و درونمایه آن تناسب دارد. تمامی جملات دانشنامه کوتاه هستند و این ویژگی از مختصات مشترک آثار قرون چهارم و پنجم فارسی است. از آن جا که در این آثار خبر بر وصف رجحان دارد و تفهیم و تعلیم اساس و هدف تدوین این آثار است، جملات کوتاه می باشند. فعل مرکز ثقل جمله است، پس هرچه طول جمله کمتر باشد، سرعت انتقال مفاهیم بیشتر می شود و لزوماً تکرار و بسامد افعال فزونی می یابد و تعدد و تنوع فعل در متن تحرک و پویایی متن را تأمین می کند. در دانشنامه علایی از شبه فعل و وجه وصفی نمونه ای نمی توان یافت. بندها و جملات مستقل هستند و این استقلال نشان دهنده عدم وجود تردید، التزام و شرط در دانشنامه است که خود گویای نمودی دیگر از تناسب موضوع و شکل است.

از دیگر ویژگی های جملات دانشنامه، ساخت مستقیم غالب آنهاست. یعنی در محور همنشینی جملات دانشنامه پس و پیشی یا تقدم و تأخیر چندانی مشاهده نمی شود ولی گاهی به ضرورت بلاغت و اقتضای حال، جملات غیرمستقیم می شوند و گاهی به تناسب و پیروی از روند تفکر جابه جایی در اجزاء و ارکان صورت می پذیرد درجملات غیرمستقیم که بسامدشان چندان زیاد نیست، بیشترین تأخیر و تقدیم به قید و مفعول با واسطه تعلق دارد. وجود مفعول با واسطه و قید بعد از فعل عمدتاً تابع روند تفکر است تا ضرورت بلاغی. چون حوزه عملکرد این دو فعل است و ضرورت این دو را ممکن است گوینده یا نویسنده بعد از ذکر فعل احساس کند.

دیگر ویژگی جملات دانشنامه خبری بودن آنهاست. در این اثر میزان جملات خبری بسیار بالاست و همان طور که ذکر شد رجحان خبر بر وصف و احساس و ... در این کتاب است و این نیز گویای همان تناسب آشکار و آشنا بین شکل و محتواست.

وجود جملات تکراری نیز چه از نظر روساخت و چه در ژرف ساخت در دانشنامه از شاخصه‌های سبکی آن است. و این تکرار غالباً در مصادیق و شواهد و نموده‌های مفاهیم و معانی مورد نظر ابن سیناست و گه گاه تکرار جملات سبب ملال و خستگی می‌شود هر چند خالی از فایده نیست.

به عنوان مثال شواهدی از متن دانشنامه برای نشان دادن ویژگیهای یاد شده ذکر می‌کنیم:

« اگر آفتاب برآید روز بود » / « اگر آفتاب بر نیاید روز نبود » / « نه هرگاه که آفتاب برآید ابر بود »

« زیرا که ذات واجب الوجود پیونددار شود به اسباب » ص ۱۱۱

« نبود شمار یا جفت یا سبید » ص ۲۵

« دوم آن است کی حکم همه کرده باشند به سلب و نفی » ص ۲۱

« و همیآت آن مقدماتی بوند باطل ولکن سخت قوی اندر نفس » ص ۵۱

« و هرکه فعلی آید از وی و وی داند آن فعل را و فاعلی خویشتن را » ص ۱۲۳

« این را وجود نیست البته » ص ۹۲

« و آلا او را جزوها بوند بی حد » ص ۸۲

« پس شاید که اندازه پذیرد کوچک » ص ۸۲

« مشهورات و مسلمات مقدمه قیاس جدلی اند » ص ۵۵

« پس هرج ندانیم و خواهیم کی بدانیم به چیزهایی دانیم کی اول ایشان را دانسته باشیم و هرج نادانسته بود، به دانسته‌ای

دانسته شوز » ص ۵

ساخت و ترکیب دستگاه مطابقت هر اثر حکایت از طرح ذهنی و غرض و هدف اصلی نویسنده یا آفریننده آن دارد. به عبارت دیگر از طریق تحلیل مسندالیه و مطابقت فعل با آن می‌توان اندیشه، فکر، غرض و هدف خالق اثر را دریافت. به نظر این جانب هر اثری برای خود دستگاه مطابقت خاصی دارد که با اثر دیگر تفاوت دارد. حتی گاهی دستگاه مطابقت دو اثر از یک نویسنده با هم یکسان نیست. زبان یک نظام و دستگاه نظام داراست. بین تمام اجزای زبان با همدیگر ارتباط وجود دارد و بین روساخت زبان با ژرف ساخت و در نهایت ذهن و اندیشه و طرح ذهنی آفریننده آن روساخت تناسب، هماهنگی و ارتباط وجود دارد.

مسندالیه و فعل جمله‌ها و بندهای دانشنامه دارای توزیع معناداری هستند. صیغه سوم شخص غایب فعل بالاترین بسامد را در این اثر داراست و مسندالیه آن نیز سوم شخص غایب است و پس از آن بالاترین بسامد را مسندالیه بی جان جمع و بعد مسندالیه جاندار دوم شخص مخاطب و سوم شخص به خود اختصاص داده‌اند. این توزیع در دستگاه مطابقه با شیوه پرورش تعریف تناسبی بسیار شایسته دارد زیرا موضوع بحث ابن سینا در دانشنامه، قضا، قیاسات، تصور، تصدیق، ماهیت، وجود، صغری، کبری، جوهر، عرض، امکان، وجوب و ذکر شواهدی برای هر مورد از قول این یا آن یا از قول مخاطب، بی‌تردید چنین دستگاه مطابقه و این گونه توزیع را می‌طلبد، زیرا هرکدام از این‌ها می‌توانند به صورت مفرد یا جمع مسندالیه یا موضوع قرار گیرند و در نتیجه فعل می‌تواند مفرد با اختیار یا با جبار مفرد یا جمع آید. و از سویی چون بحث و شیوه طرح مطالب یاد شده تعریف است و خبر، فعل‌های ربط یا اسنادی در دانشنامه از بسامد بالایی برخوردارند. پس از روی این نمود در دستگاه مطابقه می‌توان تاحدی موضوع این اثر را فهمید و مهمتر از همه یقین کرد که میان طرح ذهنی و اندیشه یک اثر علمی یا هنری یا ادبی با روساخت آن رابطه بسیار مناسبی برقرار است. برای نمونه :

« مردم جانور است » ص ۱۱

« مردم جانور نیست » ص ۱۹

« نه هر مردم دبیر است » ص ۲۲

« اما مترادفات آن مقدماتی بود کی به گواهی بسیار کس درست شده بود مرخرذ را » ص ۴۱

« مجربات آن مقدمات بودند کی نه به تنهایی خرد بشاید دانستن » ص ۴۹

« اما مقدمات اولیات آن بود کی خرد اول اندر مردم ... » ص ۴۹

برخی از مقوله‌های زبان در دانشنامه توجه خواننده را به خود جلب می‌کنند مثلاً مقوله قید در این اثر از بسامد کمتری برخوردار است. اسمهای مبهم کاربرد درخوری دارند. فعل‌های ربطی کاربرد قابل توجه‌ای برخوردارند مثل (بود، است، شود، شد) که کاری جز اسناد انجام نمی‌دهند. این فعل‌ها برخلاف امروز در صیغه‌های مختلف حتی مضارع صرف می‌شوند. مشتقات « گفتن » در این اثر زیاد است. بای زینت به ندرت در آن دیده می‌شود و با احتمال قوی این ندرت ناشی از تأثیر لهجه است. فعل ماضی استمراری با پیشوند همی صرف می‌شود و همانند بسیاری از متون همدوره دانشنامه حرف نفی به فعل نمی‌پیوندد. میزان کاربرد فعل مجهول بسیار است. اغلب فعل‌های مضارع این متن ساده هستند یعنی بدون (ب) و (می) یا (همی) و فعل مجهول با عنصر مجهول ساز «آید» یا «آمد» مجهول می‌شود و گاه فعل به قرینه حذف می‌شود.

در دانشنامه فعل پیشوندی کم است و پیشوندهای فعلی محدود و معدودند. خردی بسامد فعل‌های پیشوندی متأثر از موضوع دانشنامه است. زیرا پیشوند مفهومی ثانوی به فعل می‌بخشد در نتیجه وقتی موضوع اثری علم یا فلسفه است و

قصد نویسنده این موضوعات صرفاً تفهیم و خبر است نه برانگیختن احساس و عاطفه خواننده، نیازی به پیشوند احساس نمی‌شود؛ به عکس متون ادبی و تاحدی تاریخی فعل‌های پیشوندی بیشتری می‌طلبند زیرا هدف و غرض اصلی متون ادبی تأثیر بر احساسات و عواطف مخاطبان است. شواهد زیر به اثبات نکات یاد شده کمک می‌کنند:

« اگر کسی گویند کی گفتار ما: زید نابیناست یا نه به خانه است یا نه نویسنده است.» ص ۲۰

« چون دانسته آمد باید کی دانسته آید کی موضوع یا لفظی کلی بود و یا لفظی جزوی» ص ۲۰

« حال عکس آن بود کی موضوع محمول کنی و محمول موضوع کنی یا مقدم تالی کنی و تالی مقدم کنی» ص ۲۷

« ولا محاله ایشان بایند کی موجود بوند» ص ۸۹

« حکم مر آن چیز را کی اصل همی گویند ... بلکه گویند اگر وضعی ماندست باید کی بگوئی کی» ص ۴۵

« مجربات آن مقدمات بوند کی به تنهای خرد بشاید دانستن ونه به تنهایی حس [بشاید دانستن]» ص ۴۹

در دانشنامه فعل‌های تابع نیز بسامد قابل ذکر دارند که فعل ناقص اغلب آنها مشتقات «توانستن» است:

« جنانک نفس اندر وی به اول کار شک نتواندکردن» ص ۵۱

« هرج به وی اشارت نتوان کردن کی کجاست» ص ۵۱ و ۵۲

« هر چیزی که با وی شک تواند افتادن کسی را» ص ۵۰

« داند کی چه بود تا به زبان بتواند گفتن» ص ۵۰

دانشنامه از نظر داشتن واژه‌ها و اصطلاحات و ترکیبات بدیع و رسا حائز اهمیت بسیار است. این کتاب چون اولین اثر مدون در فلسفه و منطق است چنین واژه‌ها و اصطلاحاتی را داراست. این خود نمودی دیگر از مطابقت مفهوم، مضمون و شکل یک اثر است.

همان طور که گفته شد موضوع فلسفه و منطق و طبیعیات از موضوعات اقتباسی و مترجم عالم اسلام است. مسلمانان این موضوعات را از یونان و ایران و هند و دیگر سرزمین‌ها اخذ کرده و به زبان عربی برگردانده‌اند و چنان که می‌دانیم اغلب نوشته‌های ابن سینا نیز به زبان عربی است که زبان علم و اندیشه آن عصر جهان اسلام بود. لذا در نوشتن این موضوعات علوم و دانشهای زمان به زبان فارسی بسیاری از اصطلاحات و تعبیر از زبان عربی به زبان فارسی معادل سازی شده‌اند و بسیاری دیگر از واژه‌ها و اصطلاحات عیناً از عربی به فارسی نقل شده‌اند. این امر سبب شده است که تعداد واژه‌ها و ترکیب‌های عربی دانشنامه نسبت به آثار همدوره آن بیشتر باشد. هرچند تعداد واژگان و ترکیب‌های فارسی دانشنامه کم نیست.

ابن سینا تا حد امکان این علوم را با اصطلاحات موجود یا برساخته و آفریده خویش به زبان فارسی به مخاطبان و شاگردان خود معرفی کرده است و گاه عین اصطلاحات عربی را به کار برده است. این فرآیند هم از توانایی ابن سینا

حکایت دارد و هم از استعداد زبان فارسی خبر می‌دهد. نکته جالب در این آفرینش آن است که ابن‌سینا را اعتقاد است که واژه‌ها صرفاً قراردادی نیستند بلکه در وجود پدیده‌ها چیزی هست که بدان نام خاص نامیده می‌شوند و دلالت دال بر مدلول خود صرفاً یک دلالت وضعی و ثانوی نیست. بلکه: «هیچ چیز مر آن جزوی را آن معنی نداده بود بلکه او را آن از خود بود جنانک به درست بدانی که هیچ چیز مردم را حیوان نکرد و چهار را شمار نکرد و آلا اگر آن چیز نبودی مردم بودی ناحیوان و همچنان چهار بودی ناشمار و این محال بود.»^۴

وجود خیل انبوه واژه‌ها و ترکیب‌های زیبای فارسی در دانشنامه اثبات می‌کند که افزونی بسامد واژه‌ها و اصطلاحات عربی در آن متأثر از ترجمه است. واژه‌ها و اصطلاحات زیر این عقیده را بخوبی اثبات می‌کنند:

پسی و پیشی (تقدیم تأخیر) ص ۱۱۳ / پس‌پیشی ص ۱۳۳ / پیوندار ص ۱۱۲ / بیرون (خارج) ص ۱۱۴ / مردم ص ۱۱۱ / خانه‌گر (بنا) ص ۱۰۸ / گل‌گر / پسرگر (پدر) / گردش (تحول) و ...

ابن سینا گاهی اصطلاحات برساخته فارسی خود را در متن به کار می‌گیرد ولی در کنار آنها معادل عربی‌شان را نیز ذکر می‌کند. بی‌تردید این نیز نشان سبک ترجمه است:

«و این را چگونگی خوانند و به تازی کیفیت / و این را چندی خوانند و به تازی کمیت / یکی کجایی که به تازی این خوانند / یکی گئی که به تازی متی خوانند / یکی نهاد که به تازی وضع خوانند» ص ۸۵

در دانشنامه ابن سینا بسیاری از اصطلاحات فلسفی و منطقی را عیناً از عربی نقل می‌کند مثل «اما مقدمات و همیات و مشبهات، مقدمات قیاسی سوفسطائی و مغالطی بوند» ص ۵۶

«و هر مقداری مشارک دیگر مقدار مجانس خود بود یا مابین» ص ۵۷

گاهی نیز آنها را به فارسی معادل سازی می‌کند:

«همچون کلی بودن، جزئی بودن، بقوه بودن، به فعل بودن، هرآینگی بودن، علت بودن، معلول بودن و ... لاجوه‌ر بودن و عرض بودن از قبل آن است که وی هستی است از جهت هستی را نه از جهت چندی را یا جنبش پذیری را اند همچنان یکی بودن و بسیار بودن و موافق بودن و مخالف بودن و هرج بدین ماند» ص ۷۲

ابن سینا براحتی می‌توانست به جای ترکیب واژه‌ها یا اصطلاحات عربی با مصدر بودن در آفرینش اسم یا مصدر بدیع، شکل عربی آنها را چون کلیت، کثرت، وحدت، حرکت یا تحرک، علیت، فعلیت، کمیت و ... به کار برد. این نیز حکایت از تلاش ابن سینا برای فارسی ساختن آنها و خدمت به شکوفایی زبان فارسی دارد.

شیخ‌الرئیس درحالی که واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات عربی را اخذ کرده و به کار برده است نحو زبان فارسی و قواعد ترکیب و همنشینی واژه‌ها را بر اساس زبان فارسی از یاد نبرده است. برای مثال هیچ‌گاه صفت با موصوف خود مطابقت نمی‌کند و همیشه صفت مفرد است و مذکر. یا واژه‌های عربی را با نشانه‌های جمع فارسی، جمع می‌بندد، هرچند

جمع مؤنث سالم و جمع مکسر عربی نیز در دانشنامه وجود دارد. از آن جمله است: کلی سالب (به جالی کلمه سالبه) جزئی موجب، کلی سالب و ... خاصیتها (ص ۵۷) غرضها و قیاسها (ص ۵۶)، مشارکان (ص ۵۸) ذاتیها (ص ۵۹) اما وقتی ترکیبی را عیناً از عربی نقل می‌کند، به نحو عربی و قواعد صرف آن پای بند است:

« این را سالبه معدوله خوانند / این را موجبه معدوله خوانند ص ۲۰ / این را موجبه مهمله خوانند » ص ۲۱

در دانشنامه حرف اضافه (در) همه جا به شکل قدیمتر خود یعنی (اندر) به کار رفته است و حتی یک مورد شکل متأخر آن (در) مشاهده نشد.

در این متن بسامد حروف ربط زیاد است علی‌الخصوص حروف ربطی که مفهوم تعلیل و تبیین دارند چون حرف (اما)، زیرا که و ...

حرف (را) در دانشنامه خود تحقیقی مستقل می‌طلبد. این حرف غالباً با (مر) همراه است و هیچ‌گاه حرف (مر) بی همراهی (را) مشاهده نمی‌شود. (را) وقتی به آغاز اسم درمی‌آید، (مر) را به همراه دارد. در این صورت (را) مفهوم حرف اضافه دارد.

« و دیگر مر او را صفتها بسیار است. » ص ۱۱۵

گاهی نیز (را) بدون (مر) بر سر اسم درمی‌آید:

« مثل و حقیقت وی آن است که ورا یار نیست » ص ۱۱۵

« و حقیقت وی آن است که هستی او را آغاز نیست » ص ۱۱۵

(مر) و (را) وقتی با اسم صریح همراه می‌شوند با هم‌اند و گاهی (را) بر سر ضمیر درمی‌آید بدون همراهی (مر)، در این صورت گاهی ضمیر را مخفف می‌سازد:

« پس مر واجب الوجود را نشاید که صفت‌های بسیار بود » ص ۱۱۴

« جوهر آن بود که حقیقت ورا وجود نه اندر موضوع بود نه آن که ورا وجود است حاصل نه اندر موضوع » ص ۱۱۳

« اگر واجب الوجود مر دو چیز را بودی شک نیست هر یکی را فصلی بود » ص ۱۱۱

حرف (را) گاهی که در مفهوم حرف اضافه به کار می‌رود و معنی (برای) دارد و بر سر اسم صریح درمی‌آید، اسم را به اول جمله می‌برد و مسندالیه بر آن موخر می‌گردد:

« شکل اول را ذو فضیلت است » / « و او را به حقیقت خرد نیست » ص ۸۲

« مر قیاس شدن اقتران‌های شکل نخستین را دو شرط است » ص ۳۱

« صورت جسمی را ضد نیست » ص ۸۳

دانشنامه متعلق به قرون چهارم و پنجم هجری است. زبان این دوره در حال تکوین بوده است، لذا بسیاری از ویژگی‌های زبان دوره تکوین را می‌توان در آن یافت. این کتاب یکی از مهمترین آثاری است که می‌تواند شاخصه‌های خوبی را برای شناخت زبان فارسی قرن چهارم و سبک آثار علمی به دست دهد. در دانشنامه حروف شکل ثابت و پایداری ندارد و چهار حرف "پ"، "چ"، "ژ" و "گ" فارسی هنگام نوشتن به شکل نزدیکترین حرف به خود از نظر شکل نوشته می‌شوند. لذا حرف پ به صورت (ب) و حرف چ به صورت (ج) و ژ به صورت (ز) و حرف گ به صورت (ک) نگاشته می‌شود. در متن دانشنامه به انبوه کثیری از ذال معجمه برمی‌خوریم و همه جا (که) به صورت (کی) ثبت شده است. در این متن حرف نفی که فعل را منفی می‌سازد گاه چون دیگر آثار قرن چهارم جدا و گسسته از فعل می‌آید. رای زاید در متن مشاهده می‌گردد. ماضی استمراری به همراه (همی) ذکر می‌شود. صفت تفضیلی عربی با پسوند (تر) چون (اولیتر) ترکیب می‌شود. فعل‌های ناقصی چون بودن با ماده ماضی و مضارع در صیغه‌ها مختلف صرف می‌شوند. همچون بود و بُوند، بایند (ص ۱۱۵ و ۸۹). افزونی تکرار کلمات و جملات. آمدن مفعول با واسطه به همراهی دو حرف اضافه. کاربرد حرف (را) در معنی شماری از حروف اضافه چون (با)، (به)، (برای) و (از). کاربرد ضمائر شخصی برای مراجع غیرانسان و بی‌جان، اسناد فعل مفرد و گاه جمع به مسندالیه جمع بی‌روح و بسیاری از دیگر ویژگی‌های زبان عصر تکوین در دانشنامه یافت می‌شود. اینک شواهدی را ذکر می‌کنیم^۳:

« چنان که چون چراغی همی جنبد و همی آید اندک اندک آنگه روشنایی همی افزاید اندک اندک و بی‌گسستگی » ص ۱۴۷
 « پس هرج ندانیم و خواهیم کی بدانیم به چیزهایی دانیم کی اول ایشان دانسته باشیم و هرج نادانسته بود به دانسته‌ای دانسته شوذ » ص ۵

« و این نه درست است. » ص ۹۰ / « و نخست وجود مر بسیط را آید و باز مرکب را » ص ۱۳۷

« اما مترادفات آن مقدماتی بود » ص ۴۹ / « مجربیات آن مقدمات بوند » ص ۴۹

« و مر قیاس شدن اقتران‌های شکل نخستین را دو شرط است یکی آن است که صغرای ایشان باید که موجب بود » ص ۳۱

« بس بر خط ا.ب. مثلثی کردیم که هر سه پهلوی او برابرند » ص ۳۹

به نظر نمی‌رسد هیچ زبانی از زبانهای عالم عاجز و ناتوان از بیان موضوعات مختلف علمی، فلسفی، ادبی و هنری باشد. هرچند توانمندیها نسبی است و شاید طرح این نکته ضرورت نداشته‌باشد ولی به عنوان تذکر و آشنایی با موضوعات مختلف و متنوع آثار بازمانده از زبان فارسی دوره تکوین که هنوز آمیزش و آویزش جدایی‌ناپذیر با زبان عربی پیدا نکرده است، بی‌فایده نیست. اندیشمندان، محققان و علی‌الخصوص شاعران و نویسندگان مهمترین و فعالترین واژه‌سازان و خلاقان آفرینان هر زبانی هستند و اینان به غنا و توانمندی زبان روز به روز می‌افزایند. شاید کسی چنین ادعایی نداشته باشد که آن قدر که زبان فارسی در عرصه شعر و ادب و بیان احساسات و عواطف ناب انسانی تواناست، در بیان

موضوعات علوم تجربی، فلسفی و علمی قوی نباشد. وجود آثاری چون التفهیم ابوریحان بیرونی، ذخیره خوارزمشاهی الانبیه عن الحقایق الادویه و رساله نبض و دانشنامه علایی حکایت از توانایی زبان فارسی در بیان موضوعات علمی دارد. تحقیق در دانشنامه و بررسی زبان این میراث ارزنده فارسی یکی از براهین گویا و اسناد معتبر استعداد زبان فارسی در بیان نوع و موضوع دانشنامه علایی است. در دانشنامه الفاظ، ترکیبات و تعابیر زیبا و خوش تراشی برای مفاهیم فلسفی، منطقی و علمی وضع شده است. ابن سینا در زبان فارسی معادل‌های بسیار ارزنده و گویایی برای موضوعات فوق آفریده است که نه تنها چیزی از معادل‌های یگانه زبان علمی عالم اسلام، عربی، کم ندارد بلکه بهتر نیز می‌باشد. به هر صفحه از این اثر نظر کنیم با انبوهی از اصطلاحات علوم مواجه می‌شویم نمونه را: مقدمه کهن به جای صغری، مقدمه مهین به جای کبری، هرآینگی به جای ضروری، جان سخن گویا در برابر نفس ناطقه، اندر رسیدن در برابر اصطلاح بسیار معروف تصور، گرویدن به جای تصدیق، سه سو برای شکل هندسی مثلث، مایه در مفهوم ماده، شاید بود در به جای اصطلاح امکان، جنبش برای حرکت، انگارش در برابر وهم و فرض، گرد برای شکل هندسی دایره و ...

متن زیر نیز گویای این توان و استعداد زبان فارسی است:

O O

کنار نهی و به « وهم کنیم کی پنج جزو بر یک رده نهاده آید (O O O O O) و دو جزو یکی برین کنار نهی و یکی بر آن یک اندازه جنبش ایشان را یک به دیگر رسانیم تا فراز هم آیند شک نیست کی هریکی از آن میانگین چیزی بریده باشند، پاره‌ای این شده باشد و پاره‌ای آن و الا یکی باید کی بایستد تا آن دیگر بر وی آید یا هر دو بایستند و نجنبند و هرگز فرمان نبرند و خرد داند که شاید ایشان را به یکدیگر فراز بردن تا گرد آیند و آنگاه جزو میانگین بدو نیمه شود ایشان گویند که البته آنجا فرمان نبرند بلکه تا آنجای فرمان برند آنگه اندر قدرت خدای نیست که ایشان را به یکدیگر رساند تا جزو منقسم شود.» ص ۷۷-۷۸

در دانشنامه همان طور که گفته شد بسیاری از خصوصیات زبان تکوین وجود دارد اما در این متن ابدال صامت و یا مصوت به صامت یا مصوت دیگر وجود ندارد و اصلاً قابل ذکر نیست.

از آن جا که سبک آن مرسل است لذا متن از قید وزن و قافیه و صنایع شعری علی الخصوص بدیع لفظی چون سجع و جناس آزاد است. گاهی به تصادف برخی تکرارها موسیقی کلام خاصی به اثر می‌بخشد و گاه به ندرت آرایه‌های شعری را در آن شاهدیم اما چون بسامد و تکرار درخوری ندارند نمی‌توان آن را از مختصات زبانی یا ادبی اثر قلمداد کرد. برای نمونه چند شاهد را ذکر می‌کنم:

« این ذات را بخودی خود بود» ص ۵۹

« اگر نفس موضوع وی بیدا بود فبها و نعم» ص ۵۷

« و به آنچه ایشان را مشاهده است از کمال و بهاء واجب الوجود که اندر آئینه جوهر ایشان تابان است، غایت خوشی

ولدت است و خوشی ایشان به آنچه ورا مشاهدهاند از واجب الوجود» ص ۱۳۲

« علم منطق علم ترازوست و علمهای دیگر علم سود و زیان است.» ص ۶۰

در آخر ذکر این نکته شایسته است که این مقاله تنها پاره‌ای از ویژگی‌های زبان دانشنامه را شاید توانسته باشد نشان دهد و بررسی مفصل و کامل آن بی تردید چندین مقاله را می‌تواند فراهم آورد امید است که این تحقیق توانسته باشد فقط امکان انجام چنین پژوهشی را در دانشنامه بنماید.

پانوشت ها :

- ۱- سه حکیم مسلمان، به قلم سیدحسین نصر، ترجمه احمد آرام، انتشارات کتابفروشی سروش، ۱۳۴۵، برگرفته از صص ۲۷-۳۷.
- ۲- در بررسی ویژگی‌های زبان دانشنامه و ذکر شواهد از *دانشنامه* به تصحیح و تعلیق احمد خراسانی، نشر کتابخانه فارابی، ۱۳۶۰، استفاده شده است.
- ۳- اگر رسم الخط بعضی از شواهد ذکر شده از دانشنامه با آنچه درخصوص رسم الخط این اثر گفته شده است، مطابق نیست. ناشی از عدم رعایت رسم الخط از سوی مصحح است. او در رسم الخط دانشنامه می‌گوید: « اگرچه نسخه مورد استفاده چندان قدمت نداشت که دارای رسم الخط مخصوص بلکه مخالف با رسم الخط امروزی باشد، ولی چون رونویسی هریک از نسخ چیزی از رسم الخط قدیمی تقلید شده است، روی هم رفته برمی‌آید که رسم الخط نسخ قدیمی دارای رسمهای ذیل بوده که فقط در کتاب منطق برای نمونه رعایت شد. [مقدمه دانشنامه، ص مد].
- ۴- *دانشنامه علایی*، ص ۱۰.